

نقش هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی در مسئولیت‌پذیری اجتماعی دبیران

fazlollahigh@yahoo.com
313.afraziabi@gmail.com

سیداله فضل‌الهی قمشی / استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
نرگس افرازیابی / کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه
دریافت: ۹۷/۰۳/۲۷ پذیرش: ۹۷/۰۸/۱۰

چکیده

هدف پژوهش، پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری اجتماعی دبیران مدارس متوسطه، براساس هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی است. روش پژوهش از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش ۴۶۰ نفر، و نمونه آماری ۲۱۰ نفر است، که بر اساس جدول مورگان و به شیوه تصادفی - طبقه‌ای، انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه هوش فرهنگی «آنگ» و همکاران (۲۰۰۷)، سرمایه اجتماعی «نپاهیت» و «گوشال» (۱۹۹۸)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی «گاف» (۱۹۸۴)، به ترتیب: پایایی ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۳، بر اساس آلفای کرانباخ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، علاوه بر روش‌های توصیفی، از آزمون‌های استنباطی «کلموگروف - اسمیرنوف»، همبستگی «پیرسون»، در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج نشان داد: ۱. میان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی، با مسئولیت‌پذیری دبیران مدارس متوسطه، رابطه وجود دارد. ۲. میان ابعاد شناختی، ساختاری و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد. ۳. میان ابعاد فراشناخت، شناخت، انگیزشی و رفتاری از هوش فرهنگی، با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد. در نهایت، هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دبیران هستند.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری، هوش فرهنگی، سرمایه اجتماعی، دبیران

مقدمه

قانونی، مالی، یا اخلاقی است، و فرد مسئول، انسانی است معتمد و قابل اطمینان. آگاهی از مسئولیت، یعنی آگاهی از اینکه خود، سرنوشت، گرفتاری‌های زندگی، احساسات و در نتیجه رنج‌ها یمان را پدید می‌آوریم (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۴۶). یک تعریف ساده از مسئولیت‌پذیری عبارت است از: عهده‌دار شدن انجام کاری با کیفیتی خاص و در زمانی معین. در این تعریف، سه عنصر آمده که سه پایه اساسی مسئولیت‌پذیری است. در مسئولیت‌پذیری، فرد نخست با یک کار (تکلیفی تعریف‌شده و روشن) مواجه است، در مرحله دوم، کیفیت و چگونگی انجام آن مطرح است، و در مرتبه سوم، چارچوب معین و مشخصی از نظر زمانی برای اتمام یک تکلیف در نظر گرفته می‌شود. در واقع، مسئولیت، انتخابی آگاهانه است (علیزاده لوشایی، ۱۳۹۲، ص ۴۸). مسئولیت‌پذیری نوعی احساس التزام به عمل، با واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون، به دلیل تقید به سایرین است. فرد مسئولیت‌پذیر کسی است که در قبال رفتار خودش پاسخگو باشد؛ یعنی مسئولیت سود و زیان وظیفه یا تکلیفی را که بر عهده گرفته است، بپذیرد. مسئولیت‌پذیر به کسی می‌گویند که اراده قوی برای کنترل خواسته‌های خود و پاسخ به نیازهای دیگران داشته باشد. توجه به نیازهای دیگران و حساس بودن در قبال نیازهای آنان، فقط یک جنبه از مسئولیت‌پذیری است. جنبه دیگر آن، توجه به نیازهای خود و حساسیت در قبال سلامتی جسمانی و روانی خود فرد است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۰۴).

ابعاد مسئولیت

مسئولیت دارای ابعاد است که یک بعد آن، مسئولیت اجتماعی انسان است. در این بعد، انسان نه تنها نسبت به سرنوشت خویشتن مسئول است، بلکه مهم‌تر از آن، نسبت به سرنوشت جامعه، گروه و نظامی که در آن زندگی می‌کند نیز مسئولیت دارد و این مسئولیت با توجه به درجه، مرتبه و منصب هر فرد متفاوت است. یکی از این نظام‌های اجتماعی که مسئولیت‌پذیری اعضای آن بر سرنوشت جامعه تأثیری فزاینده و تعیین‌کننده دارد، نظام آموزش و پرورش، و به ویژه تعلیم و تربیت اسلامی است؛ نظامی جوان و پویا که به نسبت سایر نظام‌ها، به مراتب تأثیرگذاری بیشتری در سرنوشت کشور دارد، اما متأسفانه گاهی افرادی از نقش و جایگاه خویشتن در این نظام،

مسئولیت‌پذیری (Responsibility) در اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که در بسیاری از تفاسیر از آن به عنوان امانت الهی، یا همان تعهد و قبول مسئولیت، یاد شده است. انسان، امانت‌دار بزرگ الهی است و به برکت حس مسئولیت می‌تواند از چنگال زمین رها شود و به عالم بالا پرواز کند. مسئولیت او در پیشگاه خدا، خود و جامعه، بار سنگینی است که در آغاز آفرینش به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه شد که به ناتوانی خود اقرار کردند، و انسان آن را پذیرفت (احزاب: ۷۲). مسئولیت اجتماعی، ذاتاً یک مفهوم رقابتی است (دارت، ۲۰۱۰، ص ۵). کلارکسون (۱۹۹۵) اشاره می‌کند که با وجود صدها مطالعه تجربی در زمینه بررسی مسئولیت اجتماعی، هنوز تعریف رضایت‌بخش و قابل قبولی برای آن وجود ندارد (گرین و پلوزا، ۲۰۱۱، ص ۴۸).

مسئولیت مصدر صناعی، به معنی ضمان و تعهد و مؤاخذه است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۲۴۱). واژه مسئولیت را از لحاظ لغوی به معنای توانایی پاسخ دادن، تعریف کرده‌اند (کلمز و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۳۵). از نظر ریک فروم (۲۰۰۴)، مسئولیت‌پذیری صرفاً وظیفه یا تکلیفی نیست که باید توسط یک فرد انجام بگیرد، بلکه بعکس، بیانگر نوعی احساس و حالتی است که توسط خود فرد برانگیخته می‌شود و حامل پاسخ و واکنش فرد نسبت به نیازهای دیگران، به صورت آشکار یا پنهان است (سهیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۲). مرگر و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند که مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی نظم دادن به تفکر، احساسات و رفتار فردی همراه با اراده و قدرت انتخابگری خود به عنوان مسئول، و پاسخگویی اصلی پیامدهای فردی و اجتماعی آن است (امینی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۷۴). ناکامورا و واتانابه - مورائوکا (۲۰۰۶)، نیز تأکید می‌کنند که مسئولیت‌پذیری از آنجاکه بر ایده دموکراسی و جامعه دموکراتیک تأثیر می‌گذارد، دارای ارزش والایی است، و اصولاً محور و کانون اصلی مسئولیت‌پذیری، نوع دوستی و احترام به دیگران است (رضانی دیسفانی، ۱۳۸۰، ص ۲۷). مسئول، شخصی است که کاری بر عهده اوست و اگر به آن عمل نکند، از او بازخواست خواهد شد؛ توانا در جوابگویی (عمید، ۱۳۶۳، ص ۲۴۵).

مسئولیت‌پذیری، یعنی احساس مسئولیت کردن در برابر مسئولیت‌گریزی به معنای مسئولیت چیزی را نپذیرفتن (فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴، ص ۳۹۴). مسئولیت در اصطلاح به معنای پاسخ‌گویی

(موساکوفسکی، ۲۰۰۴؛ ارلی و آنگ، ۲۰۰۳، ص ۲۴۵). توماس و اینکسون معتقدند که هوش نوعی شایستگی چندوجهی است، و شامل دانش فرهنگی، عمل متفکرانه و فهرستی از مهارت‌های رفتاری می‌شود (توماس و اینکسون، ۲۰۰۵، ص ۱۴۶).

توماس و ارلن، هوش فرهنگی را به‌عنوان نظامی از توانایی‌های تعاملی تعریف کرده‌اند. در واقع هوش فرهنگی ظرفیتی است که به افراد اجازه می‌دهد تا در مواجهه با فرهنگ‌های مختلف، درک و فهم درستی داشته باشند و به‌گونه‌ای مناسب عمل کنند. ارلی و آنگ، هوش فرهنگی را ساختار مستقلی از فرهنگ می‌دانند، که در شرایط خاص فرهنگی به کار می‌رود. این نوع از هوش، درک و فهم، تعاملات میان فرهنگی را بهبود می‌بخشد (ارلی، ۲۰۰۴). برای اینکه فرد از لحاظ فرهنگی باهوش شناخته شود، باید در موقعیت‌هایی که برداشت‌ها و اشارات مختلفی وجود دارد، بتواند قضاوت و عملکرد مناسب و درستی داشته باشد و درک و فهم صحیحی از آن موقعیت به دست آورد (توماس، ۲۰۰۳).

هوش فرهنگی درک ظاهر و باطن افراد از نظر فکری و عملی نیز هست. همچنین چارچوب و زبانی را در اختیار ما قرار می‌دهد که تفاوت‌ها را درک کنیم و روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم؛ نه اینکه آنها را تحمل کنیم، یا نادیده بگیریم (پلوم و همکاران، ۲۰۰۷).

مفهوم هوش فرهنگی برای نخستین بار توسط ایرلی و آنگ، از محققان مدرسه کسب و کار لندن، مطرح شد. این دو، هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخ‌های رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (ایرلی و آنگ، ۲۰۰۳).

ارلی و آنگ از نخستین متفکرانی بودند که مفهوم چندوجهی هوش فرهنگی را تدوین کردند. آنها هوش فرهنگی را شامل عناصر زیر معرفی کردند:

۱. مؤلفه فراشناختی: فراشناخت، فرایندی را مورد توجه قرار می‌دهد که افراد برای به دست آوردن و فهم دانش فرهنگی به کار می‌گیرند، مانند وقتی که کسی مفاهیم و تصاویر ذهنی خویش را بر اساس یک تجربه واقعی که با انتظاراتش هماهنگ نیست، تعدیل می‌کند (عسکری وزیری، ۱۳۹۱، ص ۱۵).

در حقیقت، بُعد فراشناختی هوش فرهنگی به سطح آگاهی فرهنگی فرد، یا میزان هوشیاری حین تعاملات میان فرهنگی، اطلاق می‌شود. افراد باهوش فرهنگی فراشناختی بالاتر، هنگام

غافل می‌شوند، که این امر باعث تزلزل در پایه‌های جامعه می‌شود؛ زیرا این افراد، در سرنوشت آینده‌سازان کشور خویش دخیل‌اند، و زمانی که نسبت به نقش و مسئولیتشان بی‌تفاوت باشند، باید از پیشرفت، توسعه و استقلال کشور قطع امید کرد. این عامل می‌تواند باعث به‌خطر افتادن زندگی همه اقشار مردم شود. اسلام به‌عنوان دین فرهنگ‌ساز و انسان‌ساز به مقوله مسئولیت‌پذیری توجه زیادی دارد و مسئولیت انسان را در مقابل خود، دیگران، خدا، طبیعت و... متذکر شده است، و مسئولیت هر کسی را در حد توان و وسع او تعیین می‌کند.

ماندگاری هر جامعه، به‌ویژه از نظر فرهنگ و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی، به نوع تعلیم و تربیت و برنامه‌درسی آن بستگی دارد، که توسط دبیران ارائه می‌شود. آنان با تولید دانش و ترویج فرهنگ جامعه نقش رهبری‌کننده دارند، و نوع کنش و واکنش آنان در تربیت جوانان و در ساخت فرهنگی جامعه تعیین‌کننده هستند. از این‌رو، تربیت دینی و ارتقای دینی دانش‌آموزان می‌تواند در تحکیم ارزش‌های اخلاقی جامعه ایران و ارزش‌های اخلاق اسلامی بسیار مؤثر باشد. بر این اساس، به نظر می‌رسد مسئولیت‌پذیری دبیران آموزش و پرورش بسیار تعیین‌کننده است.

به عبارت دیگر، یکی از نظام‌های اجتماعی که مسئولیت‌پذیری اعضای آن بر سرنوشت جامعه تأثیر فزاینده و تعیین‌کننده‌ای دارد، نظام آموزش و پرورش، به‌ویژه دبیران آن هستند که به‌عنوان مهم‌ترین عناصر تخصصی در ساخت فرهنگی و اجتماعی نقش پیشرو و الگویی دارند. هرچه میزان مسئولیت‌پذیری دبیران بیشتر باشد، یقیناً جدیت، دلسوزی، همدلی و همکاری آنان در راستای کمک به کشف و شکوفایی استعدادها و هدایت آنان در جهت نوآوری و خلاقیت، و در نتیجه توسعه فردی و اجتماعی بیشتر خواهد شد و از هدر رفت منابع کاسته می‌شود؛ امری که خود تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. از جمله عوامل مهمی که در مسئولیت‌پذیری آنان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی هستند.

هوش فرهنگی و ابعاد آن

هوش فرهنگی (Cultural Intelligence) به مفهوم توانمندی فردی برای عمل و مدیریت اثربخش در مجموعه‌ای با فرهنگ متنوع است بسیاری از محققان، هوش فرهنگی را توانایی فرد در انجام اثربخش وظایف در موقعیت‌های متفاوت فرهنگی تعریف کرده‌اند

و می‌تواند به شکل مناسبی، رفتارهای کلامی و غیر کلامی خود را در موقعیت‌های جدید فرهنگی بروز دهند (آنگ و داین، ۲۰۰۸).

تنگ و گیسون (۲۰۱۰) معتقدند افرادی که دارای هوش فرهنگی بالایی هستند، توانایی یادگیری در محیط فرهنگی جدید را دارند و از رویارویی با فرهنگ‌های جدید لذت می‌برند، بنابراین، هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا تشخیص دهند دیگران چگونه فکر می‌کنند و چگونه به الگوهای رفتاری پاسخ می‌دهند. در نتیجه موانع ارتباطی میان فرهنگی را کاهش می‌دهد و در افراد قدرت مدیریت تنوع فرهنگی را ایجاد می‌کند. همچنین هوش فرهنگی می‌تواند برای مواجهه با موقعیت‌های چندفرهنگی به کار گرفته شود. این هوش کمک می‌کند تا با درک سریع و صحیح مؤلفه‌های گوناگون فرهنگی، رفتاری متناسب با هریک از شرایط اعمال شود (عسکری وزیری، ۱۳۹۱، ص ۵۶).

از سوی دیگر، در محیط‌های کاری متنوع قرن حاضر، لازم است استرس‌های ناشی از شوک فرهنگی و اختلافات و پیامدهای ناشی از تعارضات فرهنگی، به نحو مطلوب اداره شود. برخی از جنبه‌های فرهنگ از جمله هنر موسیقی و سبک رفتاری را به راحتی می‌توان دید؛ اما بیشتر بخش‌های چالش برانگیز فرهنگ، پنهان است. عقاید، ارزش‌ها، انتظارات، نگرش‌ها و مفروضات، عناصری از فرهنگ هستند که دیده نمی‌شوند، اما بر رفتار افراد مؤثرند، و گاهی موجب تعارضات و تناقضات کاری می‌شوند. بدین سبب به سازگاری و تعدیل مؤثر فرهنگ‌ها نیاز است. یکی از عوامل بسیار مهم در این زمینه، که عامل تعدیل‌کننده لقب گرفته، هوش فرهنگی است. این هوش قابلیت است که افراد و گروه‌های مختلف را در یک سازمان به هم پیوند می‌دهد، و منجر به تعامل و ارتباط کارکنان با یکدیگر در شبکه سازمان و انتقال دانش و تجربه آنان می‌شود. هوش فرهنگی به افراد کمک می‌کند تا به درک و فهم مشترکی از زمینه‌های فرهنگی موجود در سازمان خود دست یابند. شناخت تفاوت‌ها و تشابهات فرهنگی، قومی، نژادی، زبانی و همچنین حکایات مشترک، اسطوره‌ها و داستان‌ها، منجر به ایجاد یک زبان و حس مشترک می‌شود که کارکنان را قادر به اشتراک آزداننده دانش می‌کند. زمانی که روابط اجتماعی شامل فهم و زبان مشترک باشد، افراد می‌توانند فرصت‌های اشاعه دانش را از طریق بسترهای ارتباطی میان فردی ایجادشده، افزایش دهند (امانیان و اسدی، ۱۳۹۲).

تلاش برای انطباق با فرهنگ‌های جدید، در فرایندهای شناختی سطح بالاتر درگیر می‌شوند. مثل اینکه چگونه برای یادگیری فرهنگ جدید برنامه‌ریزی کنند، درعین حالی که پیشرفت خود را در محیط جدید ارزیابی و بر آن نظارت می‌کنند (ایمای و گلنند، ۲۰۱۰). مؤلفه فراشناختی روشی است که یک فرد، تجارب میان فرهنگی را از آن طریق استدلال می‌کند. این عنصر هوش فرهنگی، فرایندی را مورد توجه قرار می‌دهد که افراد برای به دست آوردن و فهم دانش فرهنگی به کار می‌گیرند. یک مثال برای این وضعیت وقتی است که کسی مفاهیم و تصاویر ذهنی خویش را براساس یک تجربه واقعی که با انتظارانش هماهنگ نبوده است، تعدیل می‌کند (عسکری وزیری، ۱۳۹۱، ص ۲۱).

هوش فرهنگی فراشناختی نوعی آگاهی و هشیاری فرهنگی از زمینه‌های مختلف فرهنگی، در تعامل با دیگران است. هوش فرهنگی فراشناختی نشان از فرایندهایی دارد که افراد به کار می‌گیرند تا دانش فرهنگی را کسب و درک کنند. این دانش شامل آگاهی و کنترل بر فرآیند تفکر افراد در رابطه با فرهنگ می‌شود (آنگ و داین، ۲۰۰۶).

۲. **ذهنی (شناختی):** هوش فرهنگی شناختی نوعی دانش فرهنگی فردی از هنجارها، تمرین‌ها و عرف‌ها در محیط‌های مختلف فرهنگی است. عامل شناختی هوش فرهنگی نوعی مؤلفه انتقادی است؛ زیرا دانش مربوط به شباهت‌های فرهنگی و تفاوت‌های آن، تصمیم‌گیری و عملکرد در وضعیت‌های چندفرهنگی است.

۳. **انگیزشی:** منظور از هوش فرهنگی انگیزشی، توانایی فرد برای معطوف کردن توجه و انرژی خود به سمت‌وسوی سازگاری و انطباق با فرهنگ‌های جدید است. به‌طور اخص، هوش فرهنگی انگیزشی اشاره به انگیزه درونی و خود کارایی در انطباق با فرهنگ‌های جدید است. بنابراین، افرادی که هوش فرهنگی انگیزشی بالایی دارند از تعامل در فرهنگ‌های جدید لذت می‌برند و در انجام چنین کاری و داشتن چنین توانایی‌های احساس اعتمادبه‌نفس می‌کنند (آنگ و داین، ۲۰۰۸).

۴. **رفتاری:** نوعی قابلیت فردی برای نمایش اعمال مناسب شفاهی و غیرشفاهی هنگام تعامل با افراد دیگر در زمینه‌های فرهنگی مختلف است. هوش فرهنگی رفتاری براساس داشتن و کاربرد فهرست یا سلسله گسترده‌ای از رفتارهاست. هوش فرهنگی رفتاری اشاره به طیف گسترده‌ای از مهارت‌های رفتاری است که افراد دارند

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی (Social capital) از دو مفهوم «سرمایه» و «اجتماع» تشکیل شده است؛ و از این حیث، دارای ماهیتی فزاینده و غیرفردی است. سرمایه اجتماعی، نوعی توشه فزاینده در جامعه است که به واسطه خود جامعه ایجاد می‌گردد و آن را در نیل به هدف و حفظ خود جامعه، یاری می‌کند. واژه سرمایه فرد را قادر می‌سازد تا ارزشی به وجود آورد، کاری انجام دهد، به هدفی نائل شود، مأموریتی را در زندگی انجام دهد و نقشی در جهان ایفا کند (شارع‌پور، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

بورديو، اولین کسی است که به‌زعم پورتر (۱۹۹۸)، تحلیل منظمی از سرمایه اجتماعی به دست داده است، و این مفهوم را چنین تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی حاصل انباشت منابع بالقوه و یا بالفعلی است که مربوط به مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده در بین افرادی است که با عضویت در یک گروه ایجاد می‌شود» (بورديو، ۱۹۸۵، ص ۲۴۱-۲۵۸). از نظر بورديو سرمایه اجتماعی، سرمایه‌ای منبث از افتخار و احترام، برای برآورد مجموع منابع به طور واقعی یا فرضی است (محمدی، ۱۳۸۴). او سرمایه اجتماعی را مجموعه منافع مادی یا معنوی می‌داند که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده بر اساس آشنایی و شناخت کامل را در اختیار داشته باشند (بورديو و واکوانت، ۱۹۹۲).

کلمن، سازمان اجتماعی را پدیدآورنده سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. وی معتقد است که سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. به‌زعم وی، سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: «همه آنها جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افراد را در درون ساختار تسهیل می‌کنند». سرمایه اجتماعی، مانند شکل‌های دیگر سرمایه، مولد است، و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌یافتنی نیستند امکان‌پذیر می‌کند (جیمز کلمن، ۱۳۹۰).

سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه‌های سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. در جامعه‌ای که از نعمت سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار است، همکاری آسان‌تر است (کسانی و همکاران، ۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی به‌عنوان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و شهروندی اطلاق می‌شود، که اعتماد بین افراد جامعه را نیز شامل می‌شود. برخی معتقدند

سرمایه اجتماعی شامل دو بعد عینی و ذهنی است. بعد عینی، ساختار شبکه عینی است که نشان می‌دهد افراد در فضای اجتماعی به یکدیگر مربوط هستند؛ و بعد ذهنی نشان‌دهنده پیوندهای میان افراد است، که دارای ویژگی‌های خاصی، مانند: دوجانبه بودن و مورد اعتماد بودن، است (بهزاد، ۱۳۸۱؛ استنسفلد و بوسما، ۱۹۹۸).

ابعاد سرمایه اجتماعی

ناهایت و گوشال (۱۹۸۸) سه بعد در سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند: **الف) بعد ساختاری:** که به الگوی کلی تماس‌های بین افراد اشاره دارد؛ یعنی شما به چه کسانی و چگونه دسترسی دارید، و بر پیوندهای موجود در شبکه، شکل و ترکیب که توصیف‌کننده شبکه و تناسب سازمانی است، تأکید دارد (افراسیابی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).

ب) بعد رابطه‌ای: نوعی روابط شخصی است که افراد به واسطه سابقه تعاملشان، و با تأکید بر زبان و علائم و روایت‌های مشترک، با یکدیگر برقرار می‌کنند.

ج) بعد مفهومی (شناختی): که همان زبان و استعاره‌های مشترک، با تأکید بر اعتماد، هنجارها، تعهدها و روابط متقابل است.

نظریه‌های سرمایه اجتماعی

نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد:

الف) در گروه اول به تبعیت از پوتنام، سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای فرهنگی تعریف می‌شود، که نشان‌دهنده میزان اهمیت و توجه اعضای جامعه نسبت به امور مدنی و بیانیگر وجود هنجارهای اجتماعی، مروج کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی است. نتایج حاصل از تحقیق پوتنام در ایتالیا حاکی از این است که سرمایه اجتماعی در درازمدت انباشته می‌شود و ویژگی‌های یک کالای جمعی و عمومی را دارد.

ب) در گروه دوم، سرمایه اجتماعی با تبعیت از دیدگاه پیر بورديو، نوعی سرمایه‌گذاری افراد و سازمان‌ها در شبکه‌های اجتماعی تلقی می‌شود. در این معنا، سرمایه اجتماعی، کالایی است که می‌تواند به سرمایه فرهنگی تبدیل شود و بیانیگر پایگاه اجتماعی فرد و سازمان باشد. از این رو، اندوخته سرمایه اجتماعی فرد و سازمان، بیانیگر قدرت آنها در جامعه است. گفتنی است کلمن نیز به همین سیاق بر

زمینه، متمایز است. در عین حال، تحقیقاتی که به نحوی به موضوع مرتبط بودند، شناسایی شد که تعدادی از آنها در زیر معرفی شده است: *یزدان پناه* و حکمت (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان» به این نتایج دست یافتند که احساس عزت نفس، شیوه‌های فرزندپروری منسجم، صمیمیت و پاسخ‌گویی، مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی، اعتماد اجتماعی میان شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و نهادی، و پایگاه اقتصادی - اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار بر مسئولیت اجتماعی هستند. همچنین *مهدی زاده* (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که میان مؤلفه‌های عمل به باورهای دینی و حس مسئولیت‌پذیری معلمان مدارس ابتدایی استان قم، رابطه معناداری وجود دارد. بر این اساس به‌رغم پژوهش‌های نام‌برده، اما سندی که به صورت مستقیم وجود رابطه میان سه متغیر مورد مطالعه پژوهش حاضر را، برای دبیران ثابت کند، یافت نشده است.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۴) در «بررسی رابطه میان هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان دانشگاه کاشان»، نشان دادند که میان هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

مجیبی و نبوی (۱۳۹۳) در «رابطه میان سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی، مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه»، نشان داد که میان سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه، رابطه معناداری وجود دارد.

غفاری و خانی (۱۳۹۲) در بررسی «ارتباط سرمایه اجتماعی و هوش فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی»، مطالعه بر روی دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه‌های آزاد و دولتی شهرستان‌های بناب و مراغه، نشان داد که میان عملکرد تحصیلی دانشجویان با سرمایه اجتماعی و همچنین با مؤلفه‌های فراشناخت هوش فرهنگی، شناخت و انگیزش هوش فرهنگی، همبستگی مثبت وجود دارد.

آکار (۲۰۱۱) در پژوهشی با بررسی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر عملکرد و موفقیت دانشجویان و بر محیط دانشگاهی، نشان داد که سرمایه اجتماعی مبتنی بر خانواده، و سرمایه اجتماعی مبتنی بر جامعه، بر عملکرد دانشجویان تأثیر دارد.

اردلان و همکاران (۱۳۹۳) در بررسی «تأثیر سرمایه اجتماعی و

مزایای سرمایه اجتماعی برای فرد یا سازمان تأکید دارد. از نظر کلمن، هنجار کنش متقابل، بر سرمایه اجتماعی تأثیر دارد، و سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تسهیل کنش جمعی، آثار مثبت اقتصادی در سطح ملی داشته باشد (غفاری و خانی، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد میان سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و نیز میان هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه وجود داشته باشد و هرچه هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی در آموزش و پرورش بالاتر باشد، مسئولیت‌پذیری دبیران نیز بالاتر خواهد بود.

بر این اساس، سؤال اصلی تحقیق این است که وضعیت رابطه میان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی، با مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم چگونه است؟ با توجه به سؤال اصلی تحقیق، سؤالات فرعی، شامل موارد زیر است: آیا میان بعد شناختی سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟ آیا میان بعد ساختاری سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟ آیا میان بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟ آیا میان بعد راهبرد یا فراشناخت هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟

آیا میان بعد دانش و شناخت هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟

آیا میان بعد انگیزشی هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟ آیا میان بعد رفتاری هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران زن مدارس متوسطه ناحیه چهار آموزش و پرورش استان قم، رابطه وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

جست‌وجو در پایگاه‌های مختلف اطلاع‌رسانی بیانگر فقدان پیشینه مستقیم و مرتبط با موضوع در شکل و قالب تعیین‌شده، در محیط و آزمودنی‌هاست که از نظر متغیرها و تمرکز بر دبیران آموزش و پرورش استان قم، تحقیق حاضر از سایر تحقیقات مشابه در این

پرسشنامه: استاندارد هوش فرهنگی آنگ و همکاران (۲۰۰۷)، سرمایه اجتماعی ناپاهیت و گوشال (۱۹۹۸)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی گاف (۱۹۸۴)، به ترتیب هر کدام حاوی تعداد ۲۰، ۲۸ و ۴۲ سؤال بسته پاسخ در طیف پنج درجه‌ای لیکرت با پایایی ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۳، براساس آلفای کرانباخ استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات علاوه بر روش‌های توصیفی (جدول، نمودار، درصد، فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد، واریانس)، از آزمون‌های استنباطی کلوموگروف - اسمیرنف، برای بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و همبستگی پیرسون، در قالب نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها

در این بخش یافته‌ها بر اساس، و به ترتیب فرضیه‌های تحقیق در قالب جدول‌های زیر ارائه شده است:

فرضیه اول: میان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی از یک طرف، و مسئولیت‌پذیری دبیران مدارس متوسطه از طرف دیگر، رابطه وجود دارد، که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۱) آمده است:

جدول (۱): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه اصلی

آزمون ضریب همبستگی پیرسون		مسئولیت‌پذیری
هوش فرهنگی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۸۱۴
	سطح معناداری	۰/۰
سرمایه اجتماعی	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۳۴
	سطح معناداری	۰/۰

داده‌های جدول (۱) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی میان متغیرهای هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری برابر ۰/۸۱۴ و میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری برابر ۰/۶۳۴ است. این مقادیر از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین متغیرها و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معنی‌داری این آزمون، مشخص می‌شود این مقدار برای هر دو رابطه، برابر ۰/۰۰۰ است که از $\alpha = 0.05$ کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود؛ در نتیجه میان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد، و هرچه هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، مسئولیت‌پذیری دبیران افزایش می‌یابد.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تعهد سازمانی در میان کارکنان دانشگاه رازی کرمانشاه، نشان داد که ایجاد شبکه‌ها و مجاری ارتباطی و بسترهای زمینه‌ساز، که منجر به افزایش مسئولیت‌پذیری کارکنان شود، می‌تواند در افزایش تعهد سازمانی کارکنان مؤثر واقع شود.

کریمی تکلو و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی رابطه هوش فرهنگی و مسئولیت اجتماعی در میان کارمندان دانشگاه ولی عصر رفسنجان نشان دادند که میان هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

ایمان و جلائیان (۱۳۸۹) در «بررسی و تبیین رابطه میان مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز»، نشان دادند که مسئولیت اجتماعی، به‌طور مستقیم تحت تأثیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، عزت‌نفس، سن و جنسیت قرار دارد.

طالقانی و همکاران (۱۳۹۰) در «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مسئولیت اجتماعی اداره کل مالیات غرب استان تهران»، نشان دادند که میان سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین میان عناصر ساختاری، شناختی و رابطه‌ای سرمایه اجتماعی، رابطه معنادار و مثبتی با مسئولیت‌پذیری اجتماعی وجود دارد.

جی‌ها و کاکس (۲۰۱۵) دریافتند که سازمان‌هایی که در آنها سطح سرمایه اجتماعی بالاتری وجود دارد، از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند.

روش تحقیق

روش تحقیق از نظر اهداف، کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، توصیفی - پیمایشی و از حیث بررسی رابطه، از نوع همبستگی است. در تحقیقات همبستگی هدف، پیش‌بینی تغییرات یک متغیر از روی تغییرات متغیر یا متغیرهای دیگر است (حسن‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱). در این تحقیق هدف، پیش‌بینی تغییرات مسئولیت‌پذیری اجتماعی دبیران از طریق هوش هیجانی و سرمایه اجتماعی است. جامعه آماری شامل ۴۶۰ نفر از دبیران زن مدارس متوسطه آموزش و پرورش ناحیه چهار استان قم، بودند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ اشتغال به تدریس داشتند. نمونه آماری شامل ۲۱۰ نفر از اعضای جامعه آماری بودند که بر اساس جدول برآورد حجم نمونه، از روی حجم جامعه آماری مورگان و کرجسی، به شیوه تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری اطلاعات از سه

داده‌های جدول (۴) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۴۸۵ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون مشاهده می‌شود. این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ = α کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد.

فرضیه پنجم: میان بعد راهبرد یا فراشناخت از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد، که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی چهارم

فرضیه فرعی چهارم	ضریب همبستگی پیرسون	sig
	۰/۶۴۱	۰/۰

داده‌های جدول (۵) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۶۴۱ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ = α کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد راهبرد یا فراشناخت از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد.

فرضیه ششم: میان بعد دانش و شناخت از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد، که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی پنجم

فرضیه فرعی پنجم	ضریب همبستگی پیرسون	sig
	۰/۷۸۲	۰/۰

داده‌های جدول (۶) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۷۸۲ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین دو متغیر و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ = α کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته

فرضیه دوم: میان بعد شناختی از سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد، که داده‌های جمع‌آوری شده، در جدول (۲) آمده است:

جدول (۲): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی اول

فرضیه فرعی اول	ضریب همبستگی پیرسون	Sig
	۰/۴۸۳	۰/۰

داده‌های جدول (۲) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۴۸۳ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ = α کوچک‌تر است، بنابراین، فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد شناختی از سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد؛ بدین معنا که به ازای یک واحد تغییر در بعد شناختی از متغیر سرمایه اجتماعی، ما شاهد ۰/۴۸۳ واحد تغییر در متغیر مسئولیت‌پذیری دبیران هستیم.

فرضیه سوم: میان بعد ساختاری از سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد که داده‌های جمع‌آوری شده، در جدول (۳) آمده است:

جدول (۳): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی دوم

فرضیه فرعی دوم	ضریب همبستگی پیرسون	sig
	۰/۴۲۹	۰/۰

داده‌های جدول (۳) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۴۲۹ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی میان دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از ۰/۵ = α کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد ساختاری از سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: میان بعد رابطه‌ای سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد، که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۴) آمده است.

جدول (۴): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی سوم

فرضیه فرعی سوم	ضریب همبستگی پیرسون	Sig
	۰/۴۸۵	۰/۰

خود را به خوبی ایفا کند، در برخورد با مسائل و مشکلات، منطقی بیاندیشد، و عاقلانه در جهت حل آنها تصمیم‌گیری کند (شهریاری پور و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۶۴). دبیران مدارس متوسطه، نقشی اساسی در شکل‌گیری و توسعه مسئولیت‌پذیری اقشار جوان و آینده‌ساز جامعه اسلامی دارند و به‌عنوان الگویی عملی و انسانی در ارتقاء مسئولیت اجتماعی آنان ایفای نقش می‌کنند. تمام اعمال، رفتار، کردار و گفتار آنان به‌عنوان برنامه درسی پنهان، در شخصیت اجتماعی فراگیران نقش بسته است، و طرز فکر و نگرش آنان نسبت به جامعه و زندگی در آن را تعیین می‌کنند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد هرچه میزان مسئولیت‌پذیری دبیران و پابندی آنان به اموری مانند مسئولیت‌پذیری بیشتر باشد، زمینه برای مشارکت، دقت، دلسوزی و در نهایت، تلاش، توفیق و نوآوری در جوانان، و سرانجام جامعه بیشتر خواهد بود. به‌تبع آن دانش‌آموزان مدارس متوسطه، به عنوان محور بالندگی، توسعه و رشد فضای عمومی کشور، خواهند توانست با اراده‌ای استوار، مسئولیت ساخت چنین جامعه‌ای توسعه‌یافته، توأم با ارزش‌های اسلامی را بر عهده گیرند.

از طرف دیگر، عوامل مختلفی می‌تواند در مسئولیت‌پذیری دبیران تأثیرگذار باشد که از جمله مهم‌ترین آنها فراهم ساختن شرایط سازمان آموزش و پرورش برای برخورداری از هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی است. افرادی که هوش فرهنگی بالایی دارند، قادرند اثر قابل‌توجهی بر توسعه محصول داشته باشند. این افراد جزو دارایی‌های ارزشمند سازمان هستند، و بخصوص در زمان بحران، خود را بیشتر نشان می‌دهند (فلاورز، ۲۰۰۴). هوش فرهنگی اهرم موردنیاز رهبران و مدیران تلقی می‌شود. سازمان‌ها و مدیرانی که ارزش راهبردی هوش فرهنگی را درک کنند، می‌توانند از تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جهت ایجاد مزیت رقابتی و برتری استفاده کنند. هوش فرهنگی شیوه‌های اندیشیدن و عمل را به مدیران و کارکنان آموزش می‌دهد تا آنان بتوانند در هر بستر فرهنگی، به‌گونه‌ای اثربخش‌تر عمل کنند (عسکری وزیری، ۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی مجموعه ارتباطات افقی میان افراد و شبکه اشتغالات مدنی است، که واسط میان هنجارها و اجرای قوانین جامعه می‌باشد، و موجب جلب و حفظ اعتماد افراد نسبت به اعتبار این قوانین و روابط اجتماعی می‌گردد. با این تعریف از سرمایه اجتماعی، سازمان

می‌شود. در نتیجه میان بعد دانش و شناخت از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد.

فرضیه هفتم: میان بعد انگیزشی از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران مدارس رابطه وجود دارد. که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول (۷): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی ششم

فرضیه فرعی ششم	ضریب همبستگی پیرسون	Sig
	۰/۶۸۵	۰/۰

داده‌های جدول (۷) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۶۸۵ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی بین دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون، مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از $\alpha = 0/5$ کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد انگیزشی از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد.

فرضیه هشتم: میان بعد رفتاری از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد که داده‌های جمع‌آوری شده در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول (۸): نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون فرضیه فرعی هفتم

فرضیه فرعی هفتم	ضریب همبستگی پیرسون	Sig
	۰/۷۲۹	۰/۰

داده‌های جدول (۸) بیانگر آن است که مقدار ضریب همبستگی دو متغیر برابر ۰/۷۲۹ است. این مقدار از ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه خطی میان دو متغیر، و علامت مثبت آن حاکی از مستقیم بودن رابطه میان آنهاست. همچنین با مشاهده سطح معناداری این آزمون، مشاهده می‌شود این مقدار برابر ۰/۰۰۰ است که از $\alpha = 0/5$ کوچک‌تر است. بنابراین فرضیه مورد بررسی پذیرفته می‌شود. در نتیجه میان بعد رفتاری از هوش فرهنگی و مسئولیت‌پذیری دبیران، رابطه وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پویایی و نشاط هر جامعه، به میزان مشارکت فعالانه مردم، به‌ویژه نسل جوان، در امور مختلف آن جامعه بستگی دارد؛ نسلی که آگاهانه و با شخصیتی توسعه‌یافته بتواند به‌عنوان یک شهروند مسئولیت‌های

اجتماعی عبارت است از شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، که همکاری و هماهنگی دوجانبه را برای تأمین منافع تسهیل می‌کند، و کارکنان رکن اساسی آن به‌شمار می‌روند (بهزاد، ۱۳۸۱).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد: ۱. میان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد. براین اساس می‌توان گفت، هرچه میزان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی دبیران بالاتر باشد، سطح بالاتری از مسئولیت‌پذیری نیز مشاهده می‌شود، عکس این رابطه نیز صادق است؛ یعنی با کاهش میزان هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی، سطح پایین‌تری از مسئولیت‌پذیری گزارش شده است. نتایج پژوهش جاری با پژوهش کریمی‌تکنو و همکاران (۱۳۹۲) نیز که بر روی دانشجویان صورت گرفت، تا حدودی همخوانی دارد. این نتیجه با نتایج رحیمی و همکاران (۱۳۹۴)، ایمان و جلائیان (۱۳۸۹)، طالقانی و همکاران (۱۳۹۰) و جی‌ها و کاکس (۲۰۱۵) مبنی بر وجود رابطه مثبت و معنی‌دار میان سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان، همخوانی دارد. بنابراین، برای انتخاب دبیران مسئولیت‌پذیر باید روی هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی آنان تأمل شود. ۲. میان بعد شناختی از سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه معناداری وجود دارد که این یافته با نتایج طالقانی و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. براساس این نتیجه، برخورداری از دبیران دارای مسئولیت، مستلزم ارتقاء بعد شناختی سرمایه اجتماعی آنان است. ۳. میان بعد ساختاری از سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه معناداری وجود دارد. هرچه بعد ساختاری از سرمایه اجتماعی بهبود یابد، مسئولیت‌پذیری دبیران نیز افزایش می‌یابد. ۴. میان بعد رابطه‌ای از سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه معناداری وجود دارد. هرچه بعد رابطه‌ای از سرمایه اجتماعی بهبود یابد، مسئولیت‌پذیری دبیران نیز افزایش می‌یابد. ۵. میان بعد راهبرد یا فراشناخت از هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد این نتیجه با یافته‌های رحیم‌نیا و همکاران (۱۳۸۸) که نشان داد میان بعد فراشناخت از هوش فرهنگی و عملکرد وظیفه‌ای کارکنان رابطه مثبت وجود دارد، تا حدودی همخوانی دارد. ۶. میان بعد دانش و شناخت از هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد. و هرچه بعد دانش و شناخت از هوش فرهنگی بهبود یابد، مسئولیت‌پذیری

دبیران نیز افزایش می‌یابد. ۷. میان بعد انگیزشی از هوش فرهنگی با مسئولیت‌پذیری دبیران رابطه وجود دارد. در نتیجه داشتن دبیران مسئولیت‌پذیر، مستلزم ارتقاء بعد انگیزشی هوش فرهنگی آنان است. ۸. هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی بر مسئولیت‌پذیری دبیران مدارس متوسطه اول دخترانه شهر قم تأثیر می‌گذارند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود برای داشتن دبیرانی برخوردار از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتر، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مناسب جهت آموزش و ارتقاء سطح هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی در سازمان آموزش و پرورش صورت انجام شود، و در قالب برنامه‌های ضمن خدمت و آموزش و بهسازی مدیران، به آنها عمل شود. همچنین مدیران و برنامه‌ریزان نظام آموزشی باور داشته باشند که این برنامه زمینه‌ساز ارتقاء است. به‌عبارت علمی‌تر، هوش فرهنگی و ابعاد آن به‌همراه سرمایه اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده مناسبی برای مسئولیت‌پذیری دبیران زن آموزش و پرورش محسوب می‌شوند.

منابع.....

- اردلان، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۳، «تأثیر سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر تعهد سازمانی (کارکنان دانشگاه رازی کرمانشاه)»، *مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، سال پنجم، ش ۱۰، ص ۱۰۹-۱۳۲.
- افراسیابی، نرگس، ۱۳۹۶، *پیش‌بینی مسئولیت‌پذیری دبیران مدارس دخترانه ناحیه ۴ آموزش و پرورش استان قم بر اساس هوش فرهنگی و سرمایه اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی.
- امانیان، ابوالفضل و پریسا اسدی، ۱۳۹۲، «نقش سرمایه اجتماعی در انتشار دانش و تولید سرمایه فکری»، *راهبرد توسعه*، دوره هشتم، ش ۲۸، ص ۴۷-۵۸.
- ایمان، محمدتقی و وجیهه جلائیان بخشنده، ۱۳۸۹، «بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در میان جوانان شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، ش ۲۷، ص ۱۸-۲۹.
- بهزاد، داوود، ۱۳۸۱، «سرمایه اجتماعی بستری برای ارتقای سلامت روان»، *رفاه اجتماعی*، دوره دوم، ش ۶، ص ۴۳-۵۳.
- حسن‌زاده، رمضان، ۱۳۹۳، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، ویرایش دهخدا، علی‌اکبر ۱۳۷۲، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران.
- رحیم‌نیا، فریبرز و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی میزان تأثیر هوش فرهنگی بر عملکرد وظیفه‌ای مدیران (مورد مطالعه: شعب بانک اقتصاد نوین تهران)»، *مدیریت فردا*، سال هشتم، ش ۲۲، ص ۵۸-۴۱.
- رحیمی، حمید و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت‌پذیری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه کاشان)»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، دوره پنجم، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۲۵.
- رضانی دیسفانی، علی، ۱۳۸۰، «*اثر بخشی آموزش مسئولیت‌پذیری به شیوه گلاسز بر افزایش بحران هویت دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر*

یزدان‌پناه، لیلا و فاطمه حکمت، ۱۳۹۳، «بررسی عوامل مؤثر بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان»، *مطالعات اجتماعی ایران*، سال هشتم، ش ۲، ص ۱۲۷-۱۵۰.

Acar, E., 2011, "Effects of social capital on academic success: A narrative synthesis", *Educational Research and Reviews*, N. 6, P. 456.

Ang, S., Van Dyne, L., & Koh, S. K., 2006, *Personality correlates of the four-factor model of cultural intelligence*, Group and Organization.

Bourdieu, P., 1985, *The Forms of Capital in Handbook of theory and research for the sociology of education*, ed. J.G. Richardson, New york, Greenwood. Management, vol.31, pp 100-123

Duarte, Fernanda, 2010, "Corporate Social Responsibility in a Brazilian Mining Company: Official' and Divergent Narratives", *Social Responsibility Journal*, V, 6, N. 1.

Eaerly p, Christopher & Ang, 2003, *"Cultural intelligence" indivisual interaction across cultures*, CA standfors Business books

Early, P. C., Peterson, R. S., 2004, "Cultural intelligence as a new approach to international training for the global manager", *Academy of Management Learning and Education*, N. 3 (1), P. 100-115.

flowers D., 2004, "Competent Nursing care", *Crit Care Nurse*, N. 24, P. 48_52.

Green, Todd & John Peloza, 2011, "How Does Corporate Social Responsibility Create Value for Consumers?", *Journal of Consumer Marketing*, V. 28, N. 1.

Imai, L. Gelfand, M. J., 2010, *The culturally intelligent negotiator: The impact of cultural intelligence (CQ) on negotiation sequences and outcomes*, Organizational Behavior and Human Decision Processes.

Mosakowski, E., 2004, *Cultural intelligence*, Harvard Business.

Patton W. A. & et al, 2007, "Relationships Between Personal Responsibility, Emotional Intelligence and Self Steem in Adolescents and Young Adults", *The Australian Educational and Developmental Psychologist*, v. 24, N. 1, p. 5_18.

Plum E, Achen B, Dræby I and Jensen I, 2007, *Cultural intelligence: a concept for bridging and benefiting from cultural differences*. *Børsens Forlag*, Copenhagen. Available from www.culturalintelligence.org/cqiloapp.pdf.

Stansfeld, S.A. and Bosma, H., 1998, "Psychosocial work characteristics and social support as predictors of SF-health functioning, the Whitehall II study", *Psychosomatic Medicine*, V. 60, p. 247_260.

Thomas, D. C. & Inkson, K., 2005, "People skills for a global workplace", *Consulting to Management*, V. 16 (1), N. 5.

Thomas, D.C-Inkson, K., 2003, *Cultural Intelligence People Skill for Global Business*, San Francisco:Berrett Koehler Publishers.

اصفهان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، اصفهان، دانشگاه اصفهان.

سپیلی، هرمز، ۱۳۸۷، *رابطه خودتسکوفایی با مسئولیت‌پذیری، جایگاه مهار و خلاقیت در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی واحد علوم و تحقیقات اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی.

شارع‌پور، محمد، ۱۳۸۰، «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، *انجمن جامعه‌شناسی ایران*، سال اول، ش ۳.

شهریاری‌پور، رضا و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه میان نگرش و التزام عملی به نماز با مسئولیت‌پذیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های شهر سمنان»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال سوم، ش ۱، ص ۸۲-۶۳

طلاقانی، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها (اداره کل مالیات غرب استان تهران)»، *دانشور*، سال هجدهم، ش ۴۷، ص ۲۲۹-۲۴۹.

عسکری وزیر، علی، ۱۳۹۱، *بررسی مؤلفه‌های فرهنگ‌سازمانی با رویکرد اسلامی و با تأکید بر نهج‌البلاغه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

علیزاده لوشایی، زینب، ۱۳۹۲، «مسئولیت‌پذیری در کودکان و نوجوانان»، *مه‌یار*، ش ۲۳، ص ۴۸-۵۰.

عمید، حسن، ۱۳۶۳، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.

غفاری، مظفر و لطفعلی خانی، ۱۳۹۲، «ارتباط سرمایه اجتماعی و هوش فرهنگی با عملکرد تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی»، *آموزش در علوم پزشکی*، دوره هشتم، ش ۱۳، ص ۲۱-۳۱.

فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله، ۱۳۹۴، «مسئولیت‌پذیری دانشجویان؛ عوامل تأثیرگذار و اولویت‌ها»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال پنجم، ش ۳، ص ۳۲۷-۳۴۶.

کریمی تکلو و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۳۹۲، *بررسی رابطه هوش فرهنگی و مسئولیت اجتماعی در بین کارمندان دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان*، تهران، کنفرانس ملی حسابداری و مدیریت.

کسانی، عزیز و همکاران، ۱۳۹۱، «تحلیل عاملی پرسشنامه سرمایه اجتماعی در مطالعه عدالت شهری تهران»، *مجله دانشکده بهداشت و استتیتو تحقیقات بهداشتی*.

کلمز، هریس، و همکاران، ۱۳۷۴، *آموزش مسئولیت به کودکان*، ترجمه پروین علیپور، مشهد، آستان قدس رضوی.

کلمن، جیمز، ۱۳۹۰، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه لاله صبوری، تهران، نشر نی.

مجیبی، تورج و فرشته نبوی، ۱۳۹۳، «رابطه بین سرمایه اجتماعی و مسئولیت اجتماعی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه)»، *مدیریت*، سال یازدهم، ش ۳۶، ص ۳۱-۳۹.

محمدی، محمدعلی، ۱۳۸۴، *سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران، تهران، دانشکده علوم پزشکی و توان‌بخشی*.

مرادی، فرشاد و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی رابطه شیوه‌های تصمیم‌گیری مدیران با مسئولیت‌پذیری کارکنان»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۴۰۳-۴۲۴.

مهدی‌زاده، مصومه، ۱۳۹۷، *رابطه عمل به باورهای دینی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی با عملکرد سازمانی معلمان مدارس ابتدایی استان قم بر اساس مدل اچپو*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، قم، دانشگاه آزاد اسلامی.